

متن پرسش

با سلام: جناب استاد در خصوص فهم و ادراک اشیاء فلاسفه بحث ماهیت دار بودن اشیاء را مطرح کرده اند و همه اشیاء و ممکنات را دارای ماهیت می دانند. این بدان معناست که برای اشیاء استقلالی فرض کرده اند و ذاتیتی قائل شده اند و علل قوام را جنس و فصل گرفته اند. به نظر می رسد طبق مبنای وجود رابط ملاصدرا این مستقل دانستن اشیاء و در نظر گرفتن ذاتی برای آنها و قوام اشیاء به ذاتیات خود مردود باشد. چون وجود رابط هیچ فرض استقلالی در مورد آن صحیح نیست. شیء ای که تمام هستی او عین ربط به واجب است چه استقلالی دارد؟ البته که ندارد تا بخواهد ماهیت و ذاتیت داشته باشد در خارج و یا حتی این که ماهیت از او انتزاع شود. مگر امکان دارد که از -ربط صرف و غیر مستقل- ماهیت و استقلال انتزاع کرد؟ این که علامه طباطبایی فرموده اند که عقل می تواند به نظر استقلالی نگاه کند به اشیاء به نظر می رسد در اوائل کار و برای تعلیم فرموده باشند چرا که اگر مستقل ببیند عقل اشیاء را هر حکمی می کند بر وجه استقلالی اشیاء می کند در حالی که خارج و اعیان غیر مستقل محض اند. پس عقل هر حکمی که بر موجودی می کند در واقع بر آن موجود از آن حیث که در ذهن خود به طور مستقل فرض کرده می کند نه بر خارج از ذهن و واقع. که در واقع واقع نمایی و حکایت علم از خارج مخدوش می شود. به نظر حقیر می رسد برای رهایی از این مشکل باید برای فهم اشیاء تعاریف را به علل فاعلی و غائی که همان واجب تعالی است تعریف کرد که حیثیت ربط بودن اشیاء به حق متعال در نظر گرفته شود و در غیر این صورت با اشکال یاد شده مواجه هستیم و اشکالات دیگری که آقای جوادی می فرمایند. ۱. آیا عرائض بنده را تایید می فرمایید؟ ۲. به نظر می رسد عرفان با تعریف مظاهر و اعیان از جهت وجه آسمائی آنها مشکل را تا حدی حل کرده باشد. مثلاً آقای جوادی انسان را به حی متاله تعریف کرده اند که وجه آسمائی را مورد توجه قرار داده اند. نظرتان در این مورد چیست؟ ممنون از توجهتون به سوالات و شرمندم از این که وقت شریفتون رو می گیرم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- اگر عقل در مفهوم ساختن از ماهیات نسبت به خارج هم آن ماهیات را مستقل دانست، عملاً این‌جا عقل بین مفهوم و مصداق خلط کرده است. ولی اگر در ضمن عین ربط دانستن مخلوقات نظر به نحوه‌ی امکانی آنها داشت و مفاهیمی از شیئی خارجی که چیزی جز وجود نیست، در ذهن خود شکل داد مشکلی پیش نمی‌آید و طبیعی است برای شناخت پدیده‌ها

انسان باید از آن‌ها در ذهن، مفهوم‌سازی کند و در این رابطه از نظر به علتِ فاعلی و غایی نیز غفلت نمی‌شود ۲- عموماً همین ماهیات را هم باید نظر به اعیان ثابت‌شان معنا کنیم که عرفان نظری متذکر آن است. موفق باشید